



## دوره‌ی کتاب مقدس کریستادلفین اصول کتاب مقدس از پیدایش بخش 14 و 15

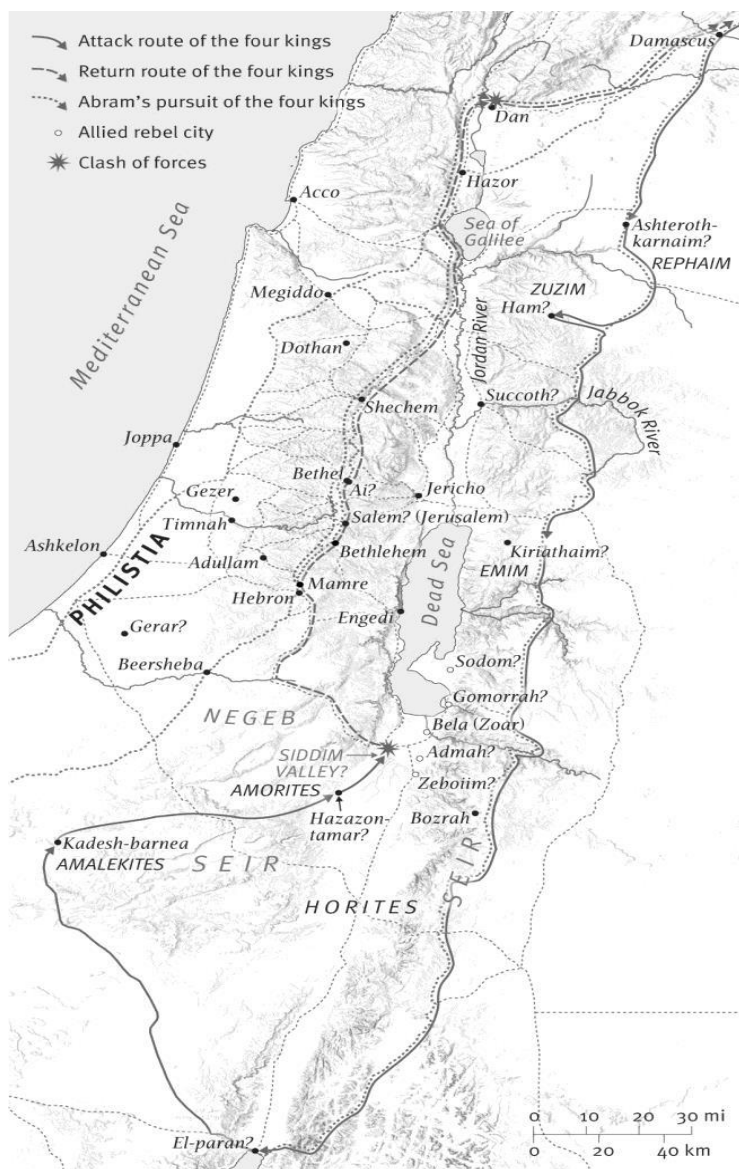
### درس 10

#### پارسایی از راه ایمان

#### مقدمه

در آخرین درس دیدیم که ابرام چگونه اور کلدانی را ترک کرد و همانطور که خدا به او امر کرده بود به کنعان سفر کرد. خدا به او وعده‌های بزرگی داد، مخصوصاً در یکی از آنها به او گفت که او زمین را برای همیشه به ارث می‌برد.

#### ابرام لوط را از اسارت آزاد می‌کند (14: 1-16)



در بخش 14 می‌خوانیم که چهار پادشاه با ارتش‌هایشان به سرزمین کنعان حمله کردند (نقطه 1 روی نقشه مقابل، مسیر آنها را نشان می‌دهد). یکی از پادشاهان از ایلسار بود، شهری واقع در 40 کیلومتری اور، جایی که ابرام ترک کرده بود تا به کنعان بیاید.

نبرد بزرگی رخ داد و ارتش متجاوز، سدوم و گموره را تصرف کرد (نکته 2). لوط، خانواده و تمام دارایی او را به دست آوردند و ارتش برای بازگشت به خانه به راه افتاد. می‌توانیم احساس لوط را تصور کنیم. او همه چیزهایی را که برایش کار کرده بود از دست داده بود و در خطر بازگشت به کشوری بود که سالها قبل ترکش کرده بود!

ابرام از دستگیری برادرزاده‌ی خود باخبر شد و بعد از (پشت) ارتش متجاوز با گروه کوچکی از خادمان خود به راه افتاد. او شب در کمین دشمن قرار گرفت و توانست آنها را از سرزمین کنعان بیرون کند (نکته 3).

هنگامی که بازگشت، لوط و همه مردم و کالاهای آنها را با خود آورد، پادشاه سدوم با او روبرو شد و برای ملاقات ابرام بیرون رفت (نکته 4). ما می‌دانیم که مردان سدوم بسیار شرور بودند (پیدایش 13: 13) و ابرام هیچ مطالبه‌ای از او نکرد.

### ابرام با مَلِکِیَصِیْق، کاهن خدا، دیدار می‌کند

پادشاه دیگری به نام مَلِکِیَصِیْق پادشاه سالیم نیز به ملاقات ابرام آمد. این پادشاه کاملاً متفاوت با پادشاه سدوم و تمام آنچه که برای آن دفاع می‌کرد بود. مَلِکِیَصِیْق نه تنها یک پادشاه بود بلکه " او کاهن خدای متعال " بود (14: 18). ابرام از پادشاه سدوم امتناع ورزید، اما مَلِکِیَصِیْق که به ملاقات او آمده بود را، تصدیق کرد، و خدا را برای فرستادن ابرام و رهایی از دشمنانش ستایش کرد.

در کتب عهد جدید، "نامه به عبرانیان"، ما درباره مَلِکِیَصِیْق بیشتر می‌خوانیم. به این نکات نگاه کنید که در بخش 5 تا 7 عبرانیان آمده است.

1. نام مَلِکِیَصِیْق معنای خاصی دارد. این واژه از دو کلمه عبری تشکیل شده است و به معنای "پادشاه عدالت" است (عبرانیان 7: 1 و 2).
2. ما همچنین در عبرانیان می‌خوانیم که مَلِکِیَصِیْق پادشاه سالیم بود، و منظور از سالیم، صلح است.
3. با قرار دادن این دو عنوان در کنار هم، می‌فهمیم که این مرد نه تنها "پادشاه عدالت" بلکه "پادشاه صلح" نیز بوده است (عبرانیان 7: 1 و 2). او مانند خداوند عیسی مسیح بود که سلطنت او پارسایی و صلح خواهد بود (مزمور 72: 7).
4. مَلِکِیَصِیْق برای ابرام به عنوان یک کاهن عمل می‌کرد. خداوند عیسی مسیح کشیشی بر دست راست خدا، در آسمان است. او برای شاگردانی که به او ایمان دارند و می‌خواهند از طریق او به خدا نزدیک شوند، از گناهان طلب آمرزش می‌کند. (عبرانیان 7: 3 و 10 و 21 و 22).

### آبرام از پذیرش کالاهای پادشاه سدوم خودداری می‌کند (14: 21-24)

بعد از اینکه ابرام با مَلِکِیَصِیْق عبادت کرد، پادشاه سدوم سعی کرد با او معامله کند.

'پادشاه سدوم به آبرام گفت: «افراد را به من بده و اموال را برای خود نگاه‌دار» (پیدایش 14: 21).

پاسخ آبرام ایمان بزرگ او به خدای زنده را نشان می‌دهد.

'ولی آبرام به پادشاه سدوم گفت: «دست خود را به جانب یهوه خدای متعال، مالک آسمان و زمین، برافراشتم که از اموال تو رشته یا بندکفشی بزنم، مبادا بگویی: "من آبرام را دولت مند ساختم،" (پیدایش 14: 22 و 23)

آبرام از چنین مرد شریری در خانه و خانواده اش چیزی نخواهد داشت حتی اگر این امر باعث ثروتمند شدن وی شده باشد. این یک درس برای ما است، اگر ما شاگرد واقعی هستیم، گاهی اوقات مجبور هستیم بین چیزهایی که می‌توانند ما را در این زندگی ثروتمند کنند، انتخاب کنیم، اما از نظر معنوی بسیار خطرناک هستند. در مورد این موضوع ما باید نه تنها مثال ابرام بلکه خداوند عیسی مسیح را به یاد داشته باشیم.

خداوند به آبرام پیروزی بخشید و از اعتمادش به او خشنود بود. همانطور که ابرام تصدیق کرد، از آنجا که خدا \"صاحب آسمان و زمین\" بود، پادشاه سدوم نمی‌توانست چیزی به او بدهد که برای خدا نبوده.

گرچه لوط همه اینها را دید، اما به خانه خود در سدوم بازگشت. او باید درک می‌کرد که ماندن در کنار ابرام به او و خانواده اش امنیت و آرامش می‌بخشد و آنها را در راه خدا حفظ می‌کند.

### **به ابرام قول نسل داده می‌شود**

به دنبال این حادثه، که ایمان ابرام به مراقبت و محافظت خدا را نشان می‌دهد، خدا دوباره به او ظاهر شد و گفت: «ای آبرام، مترس! من سپر تو هستم و تو را پاداشی بس عظیم خواهد بود.» (15: 1).

ابرام وابستگی کامل خود به خدا را به پادشاه سدوم اعلام کرده بود. اکنون خدا در رویا ظاهر شد و تأیید کرد که واقعاً از او محافظت خواهد کرد (سپر او باشد) و او را تأمین کند (پاداش بسیار بزرگ برای او باشد).

با این حال، ابرام سوال بزرگی داشت داشت - خدا سرزمین کنعان را به او و فرزندانش وعده داده بود، او اکنون پیرمرد بود اما هنوز پسری نداشت. بنابراین به خدا گفت: \"اینک مرا نسلی ندادی؛ پس خانه زادم وارث من خواهد بود\".

در جواب خدا، دوباره قول خود در مورد یک پسر را تأیید کرد: \"کسی که از صلب تو درآید وارث تو خواهد بود\".

خداوند ابرام را بیرون آورد تا در زیر آسمان پر ستاره بایستد و به او گفت که به آسمانها نگاه کند و ستارگان را بشمارد. خدا می‌گوید \"نسل تو نیز چنین خواهد بود\". او نه تنها به او وعده یک نسل داد بلکه به او گفت که خانواده اش از نظر تعداد بسیار زیاد - مانند ستاره‌ها خواهند بود.

پاسخ ابرام به این موضوع یکی از مهمترین آیات کتاب مقدس است. آن به ما می‌گوید چیزی که خدا از ما می‌خواهد تا بتواند گناهان ما را ببخشد. ما باید به دقت به بخش 15 آیه 6 نگاه کنیم.

"آبرام به خداوند ایمان آورد، و او این را برای وی پارسایی به شمار آورد".

## برکت پارسایی

'او خداوند را باور کرد'. اگرچه آبرام نمی‌دانست که چگونه این اتفاق خواهد افتاد، اما در اینکه خداوند به قول خود عمل می‌کند شک نداشت. از آنجایی که آنها بسیار پیر بودند، از نظر انسانی فرزند داشتن برای آبرام و سارا غیرممکن بود، اما آبرام به آنچه خدا به او گفته بود ایمان آورد.

'او (خدا) آن را برای او (آبرام) پارسایی شمرد'. خدا اعتقاد کامل آبرام را به آنچه به او گفته بود پذیرفت - که آبرام نسلی خواهد داشت. از طریق این ایمان (اعتقاد و ایمان یک چیز هستند) گناهان او قابل بخشش است و اینکه 'حق با خداست' معنی پیدا می‌کند. (و این به معنی 'پارسایی' است).

به همین دلیل ایمان به آنچه خدا به ما می‌گوید بسیار مهم است. خدا از طریق اعتقاد ما می‌تواند گناهان ما را ببخشد؛ اگر ایمان داشته باشیم، می‌توانیم در نعمتی که خدا به آبرام وعده داده است سهیم شویم.

"پس آنها که به ایمان اتکا دارند، با ابراهیم ایماندار برکت می‌یابند." (غلاطیان 3:9).

این نعمت، نوید بخشش گناهان ما، از طریق اعتقاد به عیسی مسیح به عنوان ناجی ما، و وعده زندگی ابدی در پادشاهی خدا، هنگام بازگشت عیسی به زمین است. کسانی که مانند آبرام ایمان بیاورند، در کنار او خواهند بود. کسانی که از ایمان امتناع ورزند، همانگونه که در زندگی خود عیسی را رد کردند، توسط خداوند عیسی طرد خواهند شد.

'و به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در پادشاهی آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر سر یک سفره خواهند نشست، اما فرزندان این پادشاهی به تاریکی بیرون افکنده خواهند شد، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود.' (متی 8: 11 و 12)

توجه داشته باشید که عیسی مردم را برای صعود به بهشت (آسمان) دعوت نمی‌کند. پادشاهی خدا روی زمین خواهد بود نه در آسمان. توسط متی به عنوان "پادشاهی آسمان" توصیف شده است زیرا این پادشاهی روی زمین خواهد بود که در آن هدف خدا همانطور که در آسمان انجام می‌شود به وقوع می‌پیوندد.

## عهد خدا با ابرام (15: 9-20)

ابرام از خداوند در مورد فرزندى سوال کرده بود و خداوند به او گفته بود که مطمئناً یک پسر خواهد داشت. ابرام سپس از خدا درباره زمین پرسید: "ای خداوندگار یهوه، از کجا بدانم که مالک آن خواهم شد؟". (15: 8).

پاسخ خدا این بود، که با ابرام عهد ببندد. عهد، یک توافق‌نامه رسمی و قانونی بین دو طرف است که در آن هر دو قول می‌دهند کاری برای یکدیگر انجام دهند. ابرام به کلام خدا ایمان آورد و بنابراین در عوض خدا قولی جدی نسبت به سرزمین کنعان به ابرام داد.

خدا با ابرام صحبت کرد و جزئیات عهد را به او گفت. پس از مرگ او فرزندان او به مصر می‌روند، در آنجا تحت ستم قرار می‌گیرند و برده می‌شوند. اما پس از سالها آنها به سرزمینی که خدا به آنها وعده داده بود باز می‌گردند. (آیه‌های 13 و 14). خدا به او نشان می‌داد که اگرچه عهد و پیمان در زمان حیات او تحقق نخواهد یافت، فرزندان او، یهودیان، به آنجا باز می‌گردند و در آن ساکن می‌شوند. امر مسلم و مطلق در مورد این موضوع در سخنان آخر خدا با او دیده می‌شود.

" در آن روز خداوند با ابرام عهد بست و فرمود: «این سرزمین را به نسل تو می‌بخشم، از رود مصر تا رود بزرگ فرات،". (پیدایش 15: 18).

این کلمات در فصل 15 سومین وعده از هفت وعده‌ای است که خداوند به ابرام داده است و ما می‌توانیم آنها را اینگونه خلاصه کنیم.

### سه وعده:

1. گرچه که ابراهیم خیلی پیر بود، ولی پسری خواهد داشت که وارث او خواهد بود.
2. او از طریق این پسر، فرزندان زیادی خواهد داشت.
3. خدا سرزمین کنعان (اسرائیل) را به این فرزندان می‌بخشد.

## خلاصه

در این درس نکات کلیدی زیر را یاد گرفتیم.

- انتخاب سدوم از طرف لوط به عنوان محلی برای زندگی فاجعه بار بود و او همه چیز را از دست داد. او خدا را در ابتدای این تصمیم مهم، در مورد جایی که باید زندگی کند قرار نداد.
- ابرام این اصل را درک کرد و از گرفتن هرچیزی از پادشاه سدوم خودداری کرد حتی اگر با این کار ثروتمند می‌شد.
- ابرام با ملکیصِدِق، کاهن خدای متعال که او را برکت داد ملاقات کرد. ابرام به آنچه ملکیصِدِق به او گفت ایمان آورد زیرا او توسط خدا فرستاده شده بود.
- ابرام معتقد بود که خدا به وعده‌هایی که به وی داده بود عمل خواهد کرد - پس خدا او را پارسا شمرد.
- خداوند قول جدی داده است که سرزمین کنعان (سرزمین اسرائیل) را به یهودیان، از فرزندان ابراهیم، بدهد.
- اگر مردم به وعده‌هایی که خدا به آنها داده ایمان بیاورند، خدا آنها را پارسا می‌شمارد.
- اینها افرادی هستند که با ابرام در پادشاهی خدا خواهند بود.